آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۱۷۱
دوشنبه
۱۳ • ۰۵ • ۱۴۰۴
۱۰ صفر ۱۴۴۷ / ۰۴ آگوست ۲۰۲۵

گـزارش

گزارش روز نخست سفر رسمی پزشکیان به پاکستان

اقتصاد، امنیت و انرژی در گفت‌وگوی تهران- اسلام‌آباد

سفر رسمی مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی ایران به پاکستان آنکه با استقبال گرم مقام‌های عالی این کشور همراه شد، نقطه عطفی در مسیر تحکیم روابط تهران- اسلام‌آباد به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و منطقه‌ای تلقی می‌شود؛ سفری که در چارچوب سیاست تقویت دیپلماسی همسایگی و توسعه پیوندهای منطقه‌ای دولت چهاردهم صورت گرفته و دستاوردهای ملموسی در سطح روابط دوجانبه به همراه داشته است. رئیس جمهوری ایران روز شنبه وارد لاهور و پس از زیارت آرامگاه علامه محمد اقبال، راهی اسلام‌آباد شد. در فرودگاه پایگاه هوایی نورخان اسلام‌آباد، پزشکیان با استقبال رسمی نخست‌وزیر پاکستان، «شهباز شریف»، همراه با شلیک ۲۱ توپ و حضور مقام‌های بلندپایه دو کشور، وارد پایتخت شد. این سطح از استقبال بیانگر عمق اهمیت این سفر در معادلات دو کشور و منطقه بود.

نقطه آغاز دیپلماسی

ادای احترام رئیس جمهوری ایران به آرامگاه اقبال لاهوری در نخستین گام سفر، حامل پیام فرهنگی مهمی بود. اقبال لاهوری، متفکر مسلمان و پل پیوند اندیشه‌های اسلامی در شبه‌قاره، همواره یکی از نقاط اتصال فرهنگی ایران و پاکستان بوده است. این اقدام، دیپلماسی فرهنگی را به عنوان بستری برای تعمیق روابط سیاسی و اقتصادی به‌نمایش گذاشت. طی روزهای گذشته، دیدارهای جداگانه‌ای میان پزشکیان و اعضای هیات همراه با مقام‌های بلندپایه پاکستانی برگزار شد که در آنها دو طرف بر گسترش همکاری‌های اقتصادی، امنیتی، ترانزیتی و مرزی تأکید کردند و بر لزوم رفع موانع تجاری و ارتقای سطح مبادلات فی‌مابین به میزان ۱۰ میلیارد دلار در سال تصریح شد. در همین راستا، وزیران دفاع و راه جمهوری اسلامی ایرآنکه رئیس جمهوری را در این سفر همراهی می‌کنند، با همتایان پاکستانی خود دیدار و درباره همکاری‌های مرزی، امنیتی و حمل‌ونقل گفت‌وگو کردند. توسعه مناطق آزاد مرزی، به‌ویژه در منطقه ریم‌دان- گبد، و تسهیل انتقال زائران نیز از دیگر محورهای مورد توجه طرفین بود. در این بین وزیران خارجه دو کشور نیز با یکدیگر دیدار و بر تعهد ۲ کشور برای تقویت روابط تهران و اسلام‌آباد، با تمرکز بر گسترش همکاری‌ها برای ثبات منطقه‌ای، تجارت و همکاری اقتصادی، تأکید کردند. سیدعباس عراقچی و اسحاق دار همچنین در مورد افزایش تعامل دوجانبه در زمینه‌های کلیدی مورد علاقه متقابل گفت‌وگو کردند.

دیدارهای دوجانبه

دیدارهای جداگانه‌ای میان پزشکیان و اعضای هیات همراه با مقام‌های بلندپایه پاکستانی برگزار شد که در آنها دو طرف بر گسترش همکاری‌های اقتصادی، امنیتی، ترانزیتی و مرزی تأکید کردند و بر لزوم رفع موانع تجاری و ارتقای سطح مبادلات فی‌مابین به میزان ۱۰ میلیارد دلار در سال تصریح شد. در همین راستا، وزیران دفاع و راه جمهوری اسلامی ایرآنکه رئیس جمهوری را در این سفر همراهی می‌کنند، با همتایان پاکستانی خود دیدار و درباره همکاری‌های مرزی، امنیتی و حمل‌ونقل گفت‌وگو کردند. توسعه مناطق آزاد مرزی، به‌ویژه در منطقه ریم‌دان- گبد، و تسهیل انتقال زائران نیز از دیگر محورهای مورد توجه طرفین بود. در این بین وزیران خارجه دو کشور نیز با یکدیگر دیدار و بر تعهد ۲ کشور برای تقویت روابط تهران و اسلام‌آباد، با تمرکز بر گسترش همکاری‌ها برای ثبات منطقه‌ای، تجارت و همکاری اقتصادی، تأکید کردند. سیدعباس عراقچی و اسحاق دار همچنین در مورد افزایش تعامل دوجانبه در زمینه‌های کلیدی مورد علاقه متقابل گفت‌وگو کردند.

همکاری‌های بلندمدت

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اسلام‌آباد پیش از آغاز سفر، از برنامه‌ریزی برای امضای چند سند همکاری در حوزه‌های گوناگون از جمله استاندارد، گردشگری، گمرک، تجارت تهاتری، حمل‌ونقل و تجارت مرزی خبر داده بود. در جریان این سفر، زمینه‌سازی برای امضای این اسناد و اجرایی شدن تفاهم‌نامه‌های پیشین در دستور کار قرار گرفت. همچنین نشست‌هایی با فعالان اقتصادی، نخبگان تجاری و انجمن‌های بازرگانی پاکستان برگزار شد که در آن، دو طرف بر ضرورت استفاده از ظرفیت‌های متقابل، بهره‌گیری از ارزهای محلی در مبادلات مالی و توسعه مسیرهای زمینی و ریلی تأکید کردند. سفر رئیس جمهور اسلامی ایران به پاکستان را باید فراتر از یک سفر تشریفاتی ارزیابی کرد. این سفر نه‌تنها گامی عملی در مسیر توسعه دیپلماسی همسایگی و همکاری منطقه‌ای بود، بلکه با توجه به شرایط حساس منطقه، حامل پیام‌های راهبردی به بازیگران داخلی و خارجی است؛ رویکردی که انتظار می‌رود نتایج ملموس‌تر آن در روز دوم این سفر رسمی آشکارتر شود. تحکیم پیوندهای ایران و پاکستان، نه‌تنها به ثبات دو کشور بلکه به آرامش و امنیت کل منطقه کمک خواهد کرد. در شرایطی که منطقه از تنگنای سیاست‌های مداخله‌جویانه و ناامنی‌های مزمن رنج می‌برد، همکاری دو کشور مسلمان، پرجمعیت و دارای مرزهای طولانی مشترک، می‌تواند الگویی برای تعامل مؤثر و سازنده در جهان اسلام باشد.

زهرا نژاد بهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی» عملکرد یک ساله دولت را بررسی می‌کند

شکاف دولت و ملت در حال ترمیم است

گام‌های دولت برای شنیدن صدای ملت

تیم اجرایی دولت نتوانسته انتظارات را برآورده کند

آرمان ملی- سیاوش پورعلی: در عصر کنونی، رابطه دولت و ملت یکی از بنیادی‌ترین ارکان نظام‌های سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. این رابطه، برخاسته از پیوندی دوسویه و متقابل میان حاکمیت و مردم است که مشروعیت، کارآمدی و پایداری یک نظام سیاسی را رقم می‌زند. در جهان امروز، تحولات گسترده در عرصه‌های فناوری، اطلاعات، اقتصاد و فرهنگ، سطح آگاهی و مطالبات مردمی را افزایش داده و در نتیجه، انتظارات ملت‌ها از دولت‌ها دگرگون شده است. پاسخگویی، شفافیت، عدالت اجتماعی، و مشارکت سیاسی، به عنوان شاخص‌های اصلی رابطه مطلوب دولت و ملت، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته‌اند.

باتوجه به تاریخ دولت و ملت در ایران، این رابطه از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که متاثر از بسترهای تاریخی، فرهنگی و ساختار سیاسی کشور است. از یکسو، ظرفیت‌های مردمی بالایی برای مشارکت و حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد و جامعه ایرانی، در مقاطع مختلف، نشان داده است که نقش فعالی در تعیین سرنوشت خود ایفا می‌کند. از سوی دیگر، چالش‌هایی همچون ضعف در نظام پاسخگویی، کاهش اعتماد عمومی، نابرابری‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی، موجب شده است که این رابطه با فراز و فرودهایی همراه باشد.

در این میان، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در کشورهایی مانند ایران، بازسازی سرمایه اجتماعی و تقویت پیوندهای اعتماد با مردم است. تحقق این هدف، مستلزم گسترش شفافیت، مبارزه موثر با فساد، احترام به حقوق شهروندی و فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکت واقعی و موثر ملت در فرآیند تصمیم‌گیری است. به همان میزان که ملت به دولت اعتماد داشته باشد، دولت نیز می‌تواند با پشتوانه‌ای مستحکم، برنامه‌های توسعه‌ای و اصلاحی خود را پیش ببرد.

در همین مورد باید تاکید کرد که رابطه سالم و پایدار میان دولت و ملت، رمز موفقیت و پیشرفت هر جامعه‌ای است. آینده ایران نیز در گرو تعمیق این رابطه و شکل‌گیری حکمرانی خوب بر پایه تعامل، عدالت، و همبستگی ملی خواهد بود.

دولت چهاردهم در شرایط وارد پاستور شد که رئیس جمهوری دولت سیزدهم به همراه تعدادی از اعضای کابینه در حادثه هوایی جان خود را از دست داد و این در شرایط بود که روند دولت و ملت به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسیر خوبی را طی نمی‌کرد و این شکاف خود را در درصد مشارکت در انتخابات تیرماه سال گذشته خود را نشان داد و در نهایت مسعود پزشکیان موفق به حضور در راس دولت شد. حالا باتوجه به همه چالش‌های به‌وجود آمده که بحران‌هایی را به همراه دارد و اکنون هم در میانه جنگ قرار داریم در مصاحبه‌ای شکاف بین دولت و مردم را بررسی کردیم. «زهرا نژاد بهرام»، استاد دانشگاه و نماینده ادوار شورای شهر تهران در این مورد معتقد است که دولت در حال پیمودن روندی است که باعث کاهش شکاف‌های به‌وجود آمده خواهد شد. در این مورد بیشتر می‌خوانید.

باتوجه به اینکه در یک سالگی دولت چهاردهم بسر می‌بریم با ارزیابی وضعیت موجود و با توجه به چشم‌انداز آینده بفرمایید رابطه دولت و مجلس در چه وضعیتی قرار دارد؟

در پاسخ به سوال شما و با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی کشور، به نظر می‌رسد که تغییر رفتار دولت نسبت به ملت در دوره اخیر قابل مشاهده و قابل تامل است. یکی از مصادیق این تغییر رفتار، پس‌گرفتن لایحه مربوط مقابله با «انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» است که بدون دریافت نظرات کارشناسی به مجلس ارسال شده بود. انتشار یادداشت یوسف پزشکیان، درباره فرایند تصویب این لایحه و توضیح مراحل قانونی آن، نماد نوعی شفافیت در عملکرد دولت است. شفافیتی که پیش از این از دولت‌ها انتظار می‌رفت اما کمتر تحقق یافته بود. بازپس‌گیری رسمی این لایحه، آن هم پس از بازخوردهای رسانه‌ای و اجتماعی، می‌تواند نشانه‌ای باشد از تلاش دولت برای ترمیم شکاف میان مردم و مسئولان. در ادوار گذشته معمولا دولت‌ها در مواجهه با چنین واکنش‌هایی، سعی می‌کردند موضوع را از دستور کار خارج کنند یا در فرایندهای اداری معطل نمایند، اما پس‌گرفتن رسمی و علنی آن اقدامی نادر و قابل تحسین است. در همین راستا، به نظر می‌رسد که دولت پزشکیان گام‌هایی در مسیر شنیدن صدای مردم و پاسخ به آن برداشته است، هرچند هنوز نمی‌توان مدعی موفقیت کامل بود ولی با این حال شکاف‌های میان دولت و ملت مسیر درستی را طی می‌کند.

> در حوزه رسانه و ارتباطات، انتظار می‌رود صداوسیما به عنوان رسانه ملی جایگاه خود را بازتعریف کند و با شفافیت بیشتر و اطلاع‌رسانی دقیق، مرجعیت رسانه‌ای را به داخل کشور بازگرداند

باتوجه به این توضیح آیا می‌توانیم در همین مورد دولت چهاردهم را با دولت‌های گذشته مقایسه کنیم؟

در بررسی روند محبوبیت دولت‌ها در سال نخست، مشاهده می‌کنیم که دولت آقای روحانی در سال‌های ۹۲ تا ۹۴ با ۴۸ درصد بیش‌ترین میزان امید به موفقیت را در میان مردم داشت، اما این امید در سال ۹۷ به ۲۶ درصد و حتی در برخی نظرسنجی‌ها به ۱۱ درصد کاهش یافت. در دولت آقای رئیسی نیز این روند نزولی تکرار شد. مردم در ابتدا ۴۰ درصد امید به موفقیت داشتند که این رقم در سال ۱۴۰۱ به ۲۷ درصد در زمینه کنترل گرانی و ۴۷ درصد در مبارزه با فساد کاهش پیدا کرد. اما در دولت چهاردهم، با وجود آنکه میزان مشارکت در انتخابات زیر ۵۰ درصد بود، در جنگ ۱۲ روزه اخیر میزان رضایت از عملکرد دولت به ۷۹ درصد رسید که بنا بر نظرسنجی مرکز پژوهش‌های صداوسیما رقم قابل توجهی است. این امر نشان می‌دهد که مردم عملکرد دولت را در شرایط بحرانی تا حدی مثبت ارزیابی کرده‌اند. با این حال، تحقق وعده‌های اصلی دکتر پزشکیان، شامل رفع فیلترینگ، بهبود روابط خارجی، بهبود وضعیت اقتصادی و رفع ناترازی‌های انرژی هنوز به‌طور کامل محقق نشده است. برخی اقدامات، مانند بازگشایی سکوهای مجازی یا همان پس‌گرفتن لایحه یادشده، نشانه‌هایی از تلاش دولت در این مسیر است، اما عمق و گستره این اقدامات هنوز برای پاسخگویی به مطالبات عمومی کافی نیست. و نیاز به تلاش بیشتری دارد.

آیا می‌توان عملکردهای دولت را بر اساس حوزه‌بندی و اینکه در کدام قسمت بهتر عمل کرده است ارزیابی کرد؟

عملکرد دولت را می‌توان در سه شاخص ارزیابی کرد که در همان قالب‌ها انتقادات و پیشنهاداتی را می‌توان مطرح کرد. در ابتدا باید به مدیریت بحران‌ها اشاره کنیم که شاید بیش‌ترین انرژی دولت در این قسمت صرف شد و چون این عوامل خارجی و غیر قابل پیش‌بینی محسوب می‌شود امکان دارد تمرکز تیم را برهم بزند. از روز اول آغاز به کار دولت و همزمان با ترور اسماعیل هنیه، بحران‌های متعددی کشور را درگیر کرد. دولت در مواجهه با این بحران‌ها، به‌ویژه در جنگ ۱۲ روزه، توانست عملکرد قابل قبولی داشته باشد.

در بین همه اعضای هیات دولت و مسئولان سایر نهادها باید به حضور فعال سه عضو کابینه اشاره کنیم که مسعود پزشکیان، عباس عراقچی و فاطمه مهاجرانی در این بحران مشهود بود و همین مورد برای شهروندان اهمیت دارد زیرا فضایی را ایجاد می‌کنند که به‌نوعی نزدیکی بین دولت و ملت شکل می‌کند. مورد دیگر چینش نیروها در کابینه باز می‌گردد که با همه ظرفیت‌ها انتقاداتی هم متوجه دولت می‌شود. هرچند شعار اصلی دولت «وفاق ملی» بود، اما نوع ترکیب تیم اجرایی نتوانسته هنوز انتظارات برای ایجاد تحولی ملموس در حوزه‌های مختلف را برآورده کند. دولت در این زمینه بسیار کند و پراکنده عمل می‌کند و نوعی جزیره‌ای بودن در عملکرد آن قابل مشاهده است. مورد دیگر به بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و قانونی اشاره کنیم که بر روی تصمیمات دولت و روند فعالیتش تاثیرات بسیاری می‌گذارد. دولت تلاش دارد از ابزارهایی چون شورای عالی امنیت ملی برای ارتقاء دایره اختیارات خود استفاده کند. یکی از اقدامات مؤثر در این زمینه واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها و تمرکززدایی از قدرت اجرایی بوده است که در انتظار اجرایی شدن بخش‌هایی از آن هستیم.

در این بین مشکلی که به‌نظر تاکنون برطرف نشده و دولت هم عملکرد مناسبی نداشته، وضعیت معیشتی است. شرایط اقتصادی جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با وجود همه این تلاش‌ها، انتظار از مسعود پزشکیان بالا است. دولت باید هرچه سریع‌تر در برابر صبر و تحمل مردم که تحت فشار تورم، ناترازی و مشکلات معیشتی قرار دارند، اقدامات عملی و ملموس‌تری ارائه دهد. به ویژه در حوزه سیاست خارجی، وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نوعی بلاتکلیفی برای مردم ایجاد کرده و دولت باید برای عبور از این شرایط برنامه مشخصی داشته باشد. همچنین، در حوزه رسانه و ارتباطات، انتظار می‌رود صداوسیما به عنوان رسانه ملی جایگاه خود را بازتعریف کند و با شفافیت بیشتر و اطلاع‌رسانی دقیق، مرجعیت رسانه‌ای را به داخل کشور بازگرداند. در حال حاضر، به‌رغم تلاش‌های مطبوعات و رسانه‌های مجازی، این خلأ همچنان احساس می‌شود. در نهایت، اگر بخواهیم وضعیت دولت دکتر پزشکیان را در سال نخست فعالیت خود در یک جمله خلاصه کنیم. دولتی است که با وجود مشارکت پایین در انتخابات، تلاش کرده تا مسیر اصلاح را طی کند؛ اما این مسیر نیازمند شفافیت بیشتر، سرعت در اقدام و پاسخ به صبر مردم است.

سفر پزشکیان به پاکستان و چند نکته

ادامه از صفحه یک

به هر حال نیازمند یک استراتژی درست در سطح رسانه‌ای و فرهنگی برای حفظ آمادگی و مقابله با این جنگ رسانه‌ای و شناختی که اسرائیل و آمریکا علیه ایران به جریان انداخته‌اند، هستیم. از طرفی ضرب‌الاجل اروپایی‌ها مبنی بر اینکه اگر ایران اقدامی در جهت تامین مطالبات آنها یعنی مسائل مربوط به غنی‌سای و موشک‌ها انجام ندهد، مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد. اینکه آمادگی نظامی و سیاسی در سطح بالا را در شرایط عدم قطعیت فعلی باید حفظ شود و تردیدی در این نیست ولی اینکه اسرائیل دست به یک اقدام نظامی دیگری بزند، با توجه به مشکلاتی که در غزه با آن مواجه است و با توجه به تهدیداتی که از سوی ایران و موشک‌های به‌خصوص روزهای آخر جنگ به سرزمین اشغالی شلیک شد، نشان داد که تا چه حد دست ایران پر است و می‌تواند تا چه میزان اسرائیل را از جهت واکنش‌ها تحت فشارهای نظامی قرار دهد، احتمال اینکه اسرائیل در چنین شرایطی دست به حمله بزند را کم می‌کند.

اما اینکه تا چه میزان امکان فعال شدن مکانیسم ماشه هست، متاسفانه اروپایی‌ها در خط آمریکا و اسرائیل قرار گرفته‌اند و دیگر آن نقش واسطه و میانجی قبل از حمله روسیه به اوکراین در قبال برنامه هسته‌ای ایران را ندارند. خواسته‌هایی که اسرائیل و آمریکا از ایران دارند، خواسته‌هایی نیست که ایران به‌راحتی درباره آن با اروپایی‌ها مذاکره کند. خصوصا اینکه اروپایی‌ها هیچ نقشی در روند مذاکرات با ایران ندارند، با توجه به مواضع همسویی که با آمریکایی‌ها دارند.

و اگر ایران بخواهد مذاکره یا انعطافی در مواضع خودش در خصوص برنامه هسته‌ای بکند، این مذاکره حتما باید با آمریکا انجام شود. اروپا نشان داده که جایگاه و نقشی در این زمینه ندارند ضمن اینکه قدرتی هم برای رفع تحریم‌ها ندارد. از آنجاکه عملا هیچ پالس مثبتی برای مذاکره و گفت‌وگو نداریم و همچنان با دیپلماسی اجبار به دنبال تحمیل خواسته‌های خود به ایران هستند، به نظر می‌رسد باید خودمان را برای فعال شدن مکانیسم ماشه آماده کنیم.

هرچند باید حداکثر ابتکار عمل را به خرج دهیم و اینکه چه راهکاری وجود دارد و از چه طریق می‌توان به این هدف دست یافت، فرصت بهتر و مغتنم‌تری می‌طلبد. هرچند راهکارهایی مطرح شده که چگونه می‌توان از فعال شدن مکانیسم ماشه جلوگیری کرد و هم بتوانیم در یک بازه زمانی، خواسته‌های خودمان را در خصوص حفظ غنی‌سازی اورانیوم، تامین کنیم.

می‌توان روی ابتکارات و ایده‌هایی که تاکنون مطرح شده، کار کرد برای اینکه به تفاهم رسید. اما اگر بخواهیم واقع‌گرایانه بحث کنیم تاکنون ابتکار عملی از سوی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها مشاهده نمی‌شود و آنها همچنان خواسته‌های حداکثری خود را مطرح می‌کنند و با توجه به این خواسته‌ها، احتمال اینکه بتوان حتی یک ایده بینابینی مطرح کرد که بخشی از آن خواسته‌های حداکثری باشد، احتمال بسیار کمی وجود دارد و واقع‌گرایانه که نگاه کنیم وضعیت و شرایط سیاسی برای مذاکره و گفت‌وگو با غرب نیست.

دُره بیـن

عملکرد پدافند غیرعامل دو دهه بعد از تشکیل

پدافند غیرعامل یا پدافند بی‌عمل؟

در طول جنگ ۱۲ روزه عملکرد پدافند غیرعامل بیش از هر زمان دیگری واکنش برانگیز شد. «پدافند غیرعامل» به مجموعه اقدامات دفاعی اما غیرمسلحانه‌ای گفته می‌شود که هدف آنها کاهش آسیب‌پذیری یک کشور و افزایش بازدارندگی در مقابل دشمنان است. سال ۸۲ سازمانی با همین عنوان در شرایط بحرانی تشکیل شد که در هر بحران از بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله گرفته تا جنگ در افزایش تاب‌آوری و کاهش خسارت به مراکز حیاتی کشور نقش داشته باشد. این سازمان از چندین قرارگاه تشکیل شده که یکی از آنها قرارگاه پدافند سایبری است که با هدف دفاع از فضای سایبری تشکیل شده است. پدافند الکترونیک، پدافند زیستی، پدافند پرتوی و پدافند مردم‌محور دیگر قرارگاه‌های این سازمان را تشکیل می‌دهند. این سازمان آنقدر اهمیت دارد که در تقویم کشور یک روز (هشتم آبان) به نام پدافند غیرعامل نامگذاری شده است.

عملکرد پدافند غیرعامل

برخی از اهدافی که برای این سازمان برشمرده می‌شود عبارتند از: «کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن»، «سلب آزادی و ابتکار عمل از دشمن و ایجاد شرایط سخت و دشوار برای وی در صحنه عملیات»، «ایجاد آمادگی‌های لازم مقابله با دشمن در شرایط تهدیدات نامتقارن» و «ایمنی‌سازی مراکز حیاتی، حساس و مهم.» بارزترین نمود این اهداف برای مردم در شرایط جنگی در «پناهگاه» و هشدار «آژیر خطر» است. اما در جنگ ۱۲روزه نه صدای آژیر خطری شنیده می‌شد و نه پناهگاهی برای روزهای جنگی تعبیه شده بود. اکثریت افراد غیرنظامی که در این جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسیدند در منازل و نقاط شهری بودند. در نبود پناهگاه، اعلام شد که مردم به متروها و یا مساجد بروند. در حالی که بسیاری از ایستگاه‌های مترو اساسا باز نبودند. مسئولان شهری تأکید کردند در پایتخت و شهرهای بزرگ «پناهگاه کامل» وجود نداشته و متروها نیز مناسب پناهگاه نبودند. ضمن آنکه همه شهرها مترو ندارند که از ایستگاه‌های آن به عنوان پناهگاه استفاده شود. در تعدادی از شهرها مردم به زمین‌های کشاورزی پناه بردند و به این ترتیب مردم عملا به حال خود رها شده بودند. حتی مراکز مدیریت بحران مثل پایگاه‌های امداد و اورژانس نیز محلی برای اضطراری نداشتند. مجموعه این مسائل باعث شد تا این تصور ایجاد شود که پدافند غیرعامل به تهیه نقشه تهویه اضطراری مترو، پوشش مراکز حساس، و مقاوم‌سازی مخازن خلاصه شده است. این در حالی بود که در همه سال‌های گذشته اسرائیل به عنوان یک دشمن در نظام سیاسی ایران تعریف شده بود.

اینترنت و ضعف پدافندی

نحوه درز اطلاعات به دشمن هم موضوع دیگری است که دوباره پای سازمان پدافند غیرعامل را به میان می‌آورد. در جریان این جنگ، حملاتی سایبری نیز انجام شد. به سامانه‌های بانک‌های سپه و پاسارگاد نفوذ شد و دارندگان حساب در این بانک‌ها، به حساب‌های خود دسترسی نداشتند. در حالی که بانک سپه بانک متعلق به نیروهای مسلح است و حفاظت از آن به معنای حفاظت از بخشی از اطلاعات نیروهای مسلح بود. صرافی رمزارزی نوبیتکس هم با حمله هکری گروه موسوم به «گنجشک درنده» روبه‌رو شد که به مسدود شدن دارایی‌هایی به ارزش تقریبی ۹۰ میلیون دلار منجر شد همه این مسائل در دست هم داد تا به رغم وجود و فعالیت سازمان عریض و طویل پدافند غیرعامل، در نهایت گزینه اول و دم دستی مسئولان در جنگ ۱۲ روزه بستن اینترنت باشد تا به گفته مسئولان از نفوذ بیشتر جلوگیری شود. البته شاید موضوع به سلیقه رئیس این سازمان نیز باز می‌گشت که همواره از طرفداران مصمم محدودسازی اینترنت و فضای مجازی بوده است. در این باره احمد معتمدی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت محمد خاتمی گفته: این حملات نشان داد که یکی از ضعیف‌ترین بخش‌ها در جنگ سایبری اخیر، پدافند غیرعامل کشور بوده است. در این جنگ ۱۲ روزه، نقاط قوت و ضعف مختلفی داشتیم، اما ضعف در مقابله با حملات سایبری، به‌ویژه در بانک‌ها، به‌وضوح نمایان شد؛ این اتفاقات حاکی از آن است که سیستم‌های نرم‌افزاری محافظتی کارایی لازم را نداشته‌اند. معتمدی با اشاره به لزوم بررسی دقیق‌تر علل این اختلالات، خاطرنشان کرد: احتمال دارد این حملات به دلیل نقص‌های فنی یا ضعف در نرم‌افزارهای دفاعی رخ داده باشد؛ در هر صورت، چنین حملاتی می‌توانند پیامدهای جدی‌تری مانند جابه‌جایی اطلاعات یا حتی سرمایه‌ها را به دنبال داشته باشند. نبود یک ساختار یکپارچه و پیشرفته دفاع سایبری- اطلاعاتی که بتواند به‌هموقع اطلاعات حملات را جمع‌آوری، تحلیل و هم تحلیل کند ضعف دیگر پدافند غیرعامل بود.

اذعان وزیر به ضعف

پیش از جنگ ۱۲ روزه هم عملکرد سازمان پدافند غیرعامل واکنش برانگیز بود. آخرین مورد قبل از جنگ انفجار در بندر شهید رجایی بود که اذعان وزیر کشور به عنوان یک مقام مسئول را نیز به دنبال داشت. به فاصله چند روز پس از پایان جنگ، اسکندر مومنی، وزیر کشور در گفت‌وگوی ویژه خبری به ضعف در پدافند غیرعامل اذعان کرد و گفت: حادثه بندر شهید رجایی نشان داد که عدم رعایت پدافند غیرعامل مشکلات را تشدید می‌کند. وزیر کشور افزود: امنیت مانند سلامتی است؛ تا زمانی که هست آن را جدی نمی‌گیریم ولی باید مراقب باشیم؛ پس از دوران دفاع مقدس توجه به پدافند غیرعامل کاهش یافته بود، اما اکنون زمان بازنگری است. وی تاکید کرد: رعایت پدافند غیرعامل باید در همه بخش‌ها از خدماتی تا تولیدی و زیرساختی جدی گرفته شود و شروع کار با پراکندگی منابع کم‌هزینه‌ترین و موثرترین راهکار برای حفظ امنیت است؛ این توصیه‌ای فراتر از یک تلنگر و الزام مهمی برای حفظ داشته‌ها است. این ضعف عملکرد در حالی بوده است که در سال‌های گذشته درصدی از بودجه دستگاه‌ها به پدافند غیرعامل تخصیص داده شده است.